



بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله سال نو بر همه‌ی شما عزیزان مبارك باشد؛ مدیران بخش صنعت و فعالان فکری و عملی در این بخش بسیار مهم. امیدواریم که خداوند متعال به شماها توفیق بدهد و بتوانید در این عرصه‌ای که نقش بسیار زیادی دارد در پیشرفت کشور، با فعالیتتان، با ابتکارتان، با شوق همراه با ایمان که در شما هست، کشورتان را و ملتتان را پیش ببرید و سرافراز کنید.

دیدار امروز من يك معنای نمادین هم دارد؛ علاوه بر اینکه دیدار از يك بخش قابل توجه و مهمی هست. مضمون مورد نظر ما این است که ما توجه بدهیم به اهمیت صنعت در پیشرفت کشور. منظورمان از صنعت، صنعت جوشیده‌ی از ذهن و فکر و ابتکار و ایمان خود شماست. معتقدیم که صنعت تأثیر بسیار اساسی‌ای دارد در پیشرفت کشور؛ یعنی در واقع عنصر اصلی پیشرفته محسوب شدن يك کشور و لوازمی که دارد، پیشرفت در صنعت است؛ با شرایط در جای خود معین شده‌ای که مربوط میشود به افکار و عقاید و ایمانهای ملت ما و شما عزیزان.

يك توهم خطرناکی در ذهنها وجود داشت، تزریق شده بود - شاید در بعضی از ذهنها هنوز هم این توهم وجود داشته باشد - و آن عبارت بود از توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی از يك طرف، و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواهد عقلانی و عملگرا و رونده و شتاب‌گیرنده‌ی در راه پیشرفت زندگی بکند، ناچار است از اخلاقیات و معنویات و دین و خدا فاصله بگیرد! اگر به همبستگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسته بودیم، ملاحظه‌ی ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف‌نظر کنیم؛ از زندگی عقلانی چشم‌پوشیم! يك چنین توهمی وجود داشته. دلائل تاریخی روشنی هم دارد این گمان؛ این گمان باطل، و دلائل جامعه‌شناسی هم دارد.

آنچه که ما میخواهیم بر آن پا بفشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم را ابطال کرده. ما میخواهیم و میتوانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم در عین حال متمسک به ارزشهای اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرائض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم پیشتر برویم.

اسلام که دین معنویت است، دین علم هم هست. جامعه‌ی اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم هجری پیشرفته‌ترین جوامع بشری در زمان خودشان بودند. مفاخر علمی ما در آن دوران، همچنان مثل ستاره در آسمان دانش بعد از گذشت هزار سال میدرخشند؛ اما به دلائل خاص خود، ما رکود داشتیم؛ تنزل داشتیم.

امروز حرکت ما رو به جلو است؛ حرکت جهشی است و باید اینجور باشد؛ هم در زمینه‌های علمی، هم در زمینه‌های معنوی و اخلاقی. صنعت میتواند يك صنعت پیشرفته باشد، در عین حال ملاحظات دینی، ملاحظات اخلاقی، ملاحظات انسانی در صنعت کاملاً رعایت بشود. ما میخواهیم شما صنعتگران کشورمان، مدیران صنعت، نماد این حقیقت باشید. پایبند به دین و در همان حال و به همان استناد، پایبند به پیشرفت جهشی صنعت.

خب، ما در قضیه‌ی صنعت قانع نیستیم به آنچه که تا امروز به دست آمده. اگرچه آنچه تا امروز به دست آمده،



بسیار ارزشمند است؛ نه اینکه ارزش اینها را ندانیم، قدر اینها را نشناسیم، کوشش ارزشمندی که در راه آن انجام گرفته، ندیده بگیریم؛ نه، اینها همه به جای خود محفوظ، اما این آغاز کار است، آغاز راه است.

ما در خصوص صنعت خودرو یک عقب افتادگی طولانی‌ای را آزمودیم و تحمل کردیم. هنر بزرگ شماها این است که توانسته‌اید این عقب ماندگی طولانی را با همت خودتان قطع کنید؛ یعنی این حال چرت و خواب و خواب‌آلودگی را که تقریباً از بعد از ورود صنعت خودرو به کشور حدود سی سال طول کشیده، به هم بزنید. ما از سالهای دهه‌ی 40 که صنعت خودروسازی وارد کشور شده - در حدود سی سال تقریباً - همین‌طور درجا زدیم. در مرحله‌ی تقلید محض و تقلید صرف باقی ماندیم. نمیتوان مسئولین کشور را در دهه‌ی 60 مؤاخذه کرد؛ زیرا دهه‌ی 60، دهه‌ی انقلاب است، دهه‌ی دفاع مقدس است؛ به قول مسئول محترم، این سالن، سالن تسلیح رزمندگان است؛ همه‌ی خانه‌های ملت ایران در واقع به یک نحوی عقبه‌ی میدان جنگ بوده. دهه‌ی 60 را نمیشود مؤاخذه کرد؛ اما قبل از دهه‌ی 60 را، قبل از دوران انقلاب را، چرا؛ باید محاسبه کرد، باید مؤاخذه کرد. دوران حرکت تقلیدی برای خودروسازی در کشورهایی که خواستند خودروساز بشوند، چهار پنج سال است. چرا باید در اینجا این قدر طول بکشد؟ این گناه آن کسانی است که به منافع کشور فکر نمی‌کردند؛ برای عزت کشور دل نمیسوزاندند؛ برای ضایع شدن و دور ریخته شدن سرمایه‌های مادی کشور اهمیتی قائل نبودند. اما در نظام جمهوری اسلامی از دهه‌ی 70 شما شروع کردید؛ خوب، پیشرفت هم خوب بوده. امروز این موتور ملی که از ایده و طراحی تا آخرین اجزایش را هنر ایرانی و سرانگشت ایرانی و فکر ایرانی و تلاش ایرانی ساخته، یک نماد عزت برای کشور است؛ این خیلی چیز پرمعنائی است. مسئله فقط این نیست که ما توانسته‌ایم یک موتور خودرو تولید بکنیم؛ مسئله فراتر از اینهاست. امروز دنیا میدان مسابقه‌ی وسائل انواع موتورهاست و موتور خودرو به عنوان یک وسیله‌ی متعارف زندگی و جلو چشم و مورد استفاده‌ی همه، یکی از برجسته‌ترین اقلام است. توی این دنیای پر کشمکش، شما توانستید هنر سرانگشت هنرمند ایرانی را اینجا نشان بدهید؛ این خیلی باارزش است. دل انسان خون میشود وقتی به یاد می‌آورد که ما در طول سالهای متمادی در خودروهای کشورمان - چه آنهایی که از خارج می‌آمده، چه آنهایی که به ظاهر در داخل تولید میشده - موتورهای کار میکرده که یکسره بیگانه بوده؛ دیگران ساخته بودند؛ کارگر دیگری این را ساخته. ما به جای اینکه کارگر خودمان را به کار مشغول کنیم، از هنر او استفاده کنیم، به او سود برسانیم و کشور را پیش ببریم، در واقع به دیگران کمک کردیم. امروز بحمدالله این زمینه را شما فراهم کردید، این امکان را به وجود آوردید؛ این خیلی باارزش است. من از این کار خوب تقدیر میکنم؛ منتها همانطور که عرض کردم، این گام اول است.

یکی از شرایط توسعه‌ی یک کشور، استقلال صنعتی آن است. ما باید بتوانیم در همه‌ی زمینه‌های صنعتی بر پای خودمان بایستیم؛ به فکر خودمان تکیه کنیم؛ توانائیهای خودمان را به کار بگیریم. البته دنیا، دنیای تبادل است؛ اما تبادل دوجانبه. تبادل؛ دادن و ستاندن. آن وقتی شما میتوانید در بازار تبادل صنعتی حرفی برای گفتن داشته باشید که خودتان روی پای خودتان در زمینه‌ی صنعت بایستید. ما این را میخواهیم؛ ما این را لازم داریم. ایران اسلامی شایسته‌ی این است؛ با این تاریخمان، با این میراث عظیم تمدنی‌مان، با این حرکت مردمی، با این آمادگی جوانها، با این استعداد فراوان که در کشور ما هست؛ ما این را لازم داریم. باید بتوانیم در بخش صنعت در دنیای اسلام یک پرچم برافراشته به حساب بیائیم. و دنیای اسلام استقبال خواهد کرد - حالا من بعد در زمینه‌ی مسئله‌ی صادرات که یکی از مسائل اساسی ماست، اشاره میکنم - و دنیا نگاه کند به جمهوری اسلامی و ببیند که این ملت با هوشمندی خود، با توانائیهای خود، توانسته در این میدان این پیشروی‌ها را انجام بدهد.

خب، چند تا نکته و مطلب در این زمینه هست که عرض میکنم. یک مسئله این است که ما اگر اهمیت میدهیم به صنعت داخلی - حالا در زمینه‌ی خودرو که فعلاً محل کلام ماست و یا زمینه‌های دیگر - بایستی سیاست تعدیل بازرگانی خودمان را در این زمینه حتماً تنظیم کنیم. یعنی واردات بی‌رویه قطعاً ضرر خواهد زد. دستگاه‌های



سیاستگذار کشور و کسانی که سیاستهای اجرائی را تنظیم میکنند، به این نکته باید توجه کنند. فراوانی و ارزانی چیز خیلی خوبی است، اما از آن مهمتر و بهتر، رشد صنعت داخلی است؛ قوام گرفتن صنعت داخلی است. این درست نیست که ما به دلائل گوناگونی که غالباً هم دلائل واهی است، دروازه را به روی واردات باز کنیم. من بارها به مسئولین - مسئولین گوناگون در بخشهای مختلف دولتی - گفتم: اگر فلسفه‌ی شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل واردات ساخته‌های صنعتی این است که میگوئید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالا برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید. سیاستهایی وجود دارد که میشود وادار کرد، مجبور کرد تولیدکننده‌ی داخلی را به اینکه کیفیت را ارتقاء بدهد. بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم؛ این، بدترین گزینه است. گزینه‌های بهتری وجود دارد برای اینکه ما کیفیت را بالا ببریم.

یک نکته‌ی دیگری که مهم است، مسئله‌ی تحقیق است؛ تحقیق و توسعه‌ی فناوری. امروز همه‌ی صنایع دنیا از جمله صنعت خودرو دانش‌محور است. مرتب دارند فکر میکنند، کار میکنند، تحقیق میکنند، پژوهش میکنند، برای اینکه این را کامل‌تر، بی‌عیب‌تر، زیباتر، کم‌مصرف‌تر، ارزان‌تر از آب در بیاورند. این جز با پیشرفت علمی، جز با تأمل و دقت و تحقیق، ممکن نیست. باب تحقیق را بایستی باز گذاشت. دستگاه‌های مختلف، کارخانجات صنعتی و مدیران صنعتی و مدیران دولتی مشرف بر صنعت، بر روی مسئله‌ی تحقیق باید خیلی تلاش بکنند. این کمک میکند به اینکه صنعت بتواند در شرایط سخت رقابتی، خودش را حفظ کند؛ در رقابت با رقبای پیشرفته زمین نخورد. این با تحقیق امکان‌پذیر است.

یک مسئله‌ی مهم در باب صنایع ما و از جمله حالا صنعت خودرو، همین مسئله‌ی صادرات است. دستگاه‌های گوناگون دولتی باید تلاش بکنند تا بازار صادراتی را تأمین بکنند. این یکی از آن کارهای بسیار حساس، بسیار هنرمندانه و مبتنی بر تلاشهای متنوع و مرکب چند جانبه است. بعضی از کشورهای همسایه‌ی ما صادرات خودروشان در سال، میلیاردها دلار درآمد برایشان دارد! این کار بسیار مهمی است؛ یعنی از اول باید حرکت سازندگان خودرو ناظر باشد - حالا خودرو را من به عنوان یک نمونه‌ی بارز عرض میکنم، مجموعه‌ی صنایع از این قبیل است - که باب صادرات باز بشود؛ یعنی از اول فکر بشود و دستگاه‌های دولتی، پیدا کردن بازارهای صادراتی را یکی از اهداف خودشان قرار بدهند.

یک مسئله هم مسئله‌ی محیط زیست است - که من حالا اینجا در خلال گزارشها شنیدم که به مسئله‌ی محیط زیست توجه میشود و میخواهم روی این مسئله تأکید کنم - یعنی یکی از شاخصهای اساسی‌ای که در ساخت موتورها و همه‌ی دستگاه‌های صنعتی باید مورد توجه باشد، مسئله‌ی محیط زیست است. تخریب محیط زیست، از آن چیزهایی است که ضربه‌اش را یک ملت، یک منطقه‌ی جغرافیائی، گاهی همه‌ی دنیا در وقتی احساس میکنند که دیگر قابل جبران نیست. مسئله‌ی محیط زیست، بسیار مسئله‌ی مهمی است. اسلام هم بر روی محیط زیست خیلی تکیه کرده است. حفظ محیط زیست، رعایت محیط زیست، این چیزی که امروز دنیا به آن دست یافته، از جمله‌ی چیزهایی است که جزو تعالیم اسلام است. این هم نکته‌ی بسیار مهمی است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

من اگر بخواهم همه‌ی آن چیزی را که در ذهنم هست در مورد کار شما برادران عزیز در یک جمله عرض بکنم، این است که میخواهم بگویم: ابتکار شما، هوشمندی شما، تلاش و پیگیری شما ضامن فردای این کشور است؛ ضامن فردای این ملت است. از کار خسته نشوید، از تلاش و پیگیری خسته نشوید. ما کشورهایی را سراغ داریم که بعد از ما وارد این میدان شده‌اند، الان جلوتر از ما هستند! به خاطر پیگیری، به خاطر خسته نشدن از کار و اینکه مدیران ارشد، همت خودشان را مصروف این کرده‌اند که کار را رها نکنند. یکی از نقیصه‌های عمده‌ای که بنده در بعضی از دولتهامان در طول این سالها مشاهده کرده‌ام، پیگیری نکردن و دنبال نکردن کارهاست. کار را با شوق و ذوق شروع



میکنند، بعد نصفه کاره میماند! چرا؟ چون مدیران حمایت نمیکنند، پیگیری نمیکنند؛ چه حمایت مالی، چه حمایت اداری، حمایت‌های مدیریتی، تشویق، رسیدگی، برداشتن موانع جزئی از سر راه. گاهی يك مانع جزئی يك كار بزرگ را مدتها معطل میکند؛ تجربه‌ی انسان این را نشان میدهد. ما دیده‌ایم کارهای بزرگی که متوقف شده، بعد که رفتیم سراغ کار که چرا متوقف شده، فهمیدیم يك جا يك گیر کوچکی وجود داشته، همت نکردند این گیر کوچک را برطرف کنند، این جریان عظیم همین طور متوقف مانده. خوشبختانه دولت کنونی دولت فعالی است، دولت پیگیری است، با همتند، حقاً دلسوزند، وزیر محترم هم جوان و پرنشاط و پرانگیزه است. امیدواریم ان شاء الله کارها را به بهترین وجهی پیش ببرید.

کشاورزی هم که برای ما خیلی اهمیت دارد و از نظر من يك رکن اساسی قوام و حیات کشور ما است، بستگی دارد به صنعت. پیشرفت کشاورزی جز با پیشرفت صنعتی ممکن نیست. یعنی من که رو صنعت تکیه میکنم، این نفی بخش کشاورزی نباید به حساب بیاید. این در واقع تأیید و کمک پیشرفت مجموعی کشور است که از جمله بخش کشاورزی هم در آن هست. اصرار دارم بر اینکه بخش صنعت پیشرفت بکند و این پیشرفت هم با تحقیق، با به کار انداختن فکر و هوش سرشاری که بحمدالله در شما جوانان عزیز هست، و سرانگشتان ماهر ایرانی، امکان‌پذیر است.

من عرض بکنم به شما، خیلی از این کشورهایی که امروز در زمینه‌ی صنعت نام‌آورند و در دنیا در واقع در ردیف اول قرار دارند، اطلاعات متقنی که بنده دارم، این است که سطح هوشی آنها از سطح هوشی متوسط کشور ما بسیار پائین‌تر است! منتها با پرکاری و با تلاش فراوان توانسته‌اند پیشرفت بکنند. هوشمندی و برخورداری از هوش و استعداد و ظرفیت ذهنی یکی از عوامل بسیار مهم است که در ما هست. باید آن عنصر و عامل دوم را که عامل کار و تلاش پیگیر و خسته نشدن است هم همراه بکنیم. بدانید که در آن صورت، ان شاء الله کشور حرکت جهشی خواهد داشت، پیشرفت جهشی خواهد کرد و کارهای بزرگ انجام خواهد داد؛ همچنانی که امروز در بخشهای متعددی ما می‌بینیم که کشور ما در مجموعه‌ی مثلاً ده کشور اول، هشت کشور اول قرار دارد. الان اینجا در يك موردی یکی از آقایان گفتند، جزو شش کشور دنیا هستیم که این امکان را داریم و این کار را میتوانیم انجام بدهیم؛ اینها خیلی مهم است. این کشوری است که از صنعت و ابتکار و خلاقیت و فعالیت در دوران پیش از انقلاب فرسنگها فاصله داشته است، امیدش را هم نداشته، اعتماد به نفس را هم نداشته است، امروز به اینجا رسیده؛ این خیلی مهم است. بنابراین راه برای شما باز هست و استعداد جهش فراوان است. از خداوند متعال خواستاریم که ان شاء الله شماها را توفیق بدهد و کمک بکند.

این مسئله‌ی پیوند با دانشگاه را هم که یکی از آقایان اشاره کردند، بسیار مهم است؛ بسیار مهم است. من چندین سال است که به دانشگاه‌ها، به دستگاه‌های دولتی این سفارش را میکنم که بین صنعت و بین دانشگاه يك ارتباط مستحکمی برقرار بشود. احتیاج داریم ما به اینکه در دانشگاه کانونهای دانشی، مخصوص بخش صنعت و بخشهای گوناگون صنعت، مثلاً مخصوص بخش خودرو به وجود بیاید که پشتیبانی کنند.

ان شاء الله که خداوند شماها را موفق بدارد و مشمول دعای حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) باشید و ارواح طیبه‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار از شما راضی باشند. امروز برای من روز خوبی بود؛ از دیدن این مجموعه‌ی تلاش و محصول تلاش، خرسند شدم و خدا را شاکر هستم و ان شاء الله شما را دعا خواهم کرد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته